



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

خوشامد عرض میکنم به حضار محترم، مسئولان محترم کشور، میهمانان عزیز هفته‌ی وحدت، و تبریک عرض میکنم میلاد مکرّم و معظم رسول اعظم ( صلی الله علیه و آله و سلّم ) و امام صادق ( سلام الله علیه ) را به همه‌ی شما عزیزانی که اینجا تشریف دارید و به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی امت اسلامی در شرق و غرب عالم ؛ و امیدواریم ان شاء الله که برکات توجّهات آن بزرگوار و توجّهات الهی به برکت آن بزرگوار برای ملت بزرگ اسلام و امت اسلامی ان شاء الله موجب پیشرفت باشد.

البته در شخصیت منحصر به فرد پیغمبر اکرم و رسول اعظم یک نقطه‌ی اوجی وجود دارد که آن عبارت است از بعثت ؛ نقطه‌ی بعثت. خب شخصیت رسول اکرم شخصیت منحصر به فردی است در همه‌ی عالم وجود ؛ نقطه‌ی اوج این شخصیت، آن نقطه‌ی ارتباط قلب مطهر آن بزرگوار با معدن عظمت و عزّت و حکمت الهی است ؛ نقطه‌ی بعثت ؛ این درست، لکن همه‌ی آنات زندگی پیغمبر حتی بعد از بعثت متأثر و متناسب با مسئله‌ی بعثت است ؛ یعنی این [طور] نیست که فرض کنیم نبی مکرّم اسلام قبل از بعثت، زندگی انسان معمولی را داشتند ؛ نه، حرکات آن بزرگوار، برکات الهی به آن بزرگوار، توجّهاتی که در عالم طبیعت ناشی از وجود آن بزرگوار اتفاق افتاده، اینها همه استثنائی است، همه متناسب با آن اوج شخصیت این بزرگوار است که مسئله‌ی بعثت است. نشانه‌های عظمت حق تعالی را در همه‌ی دوران زندگی آن بزرگوار میشود دید، حتی در هنگام ولادت. خب ما امروز را به عنوان مولود پیغمبر عید گرفتیم و جشن گرفتیم ؛ حتی در روز ولادت آن بزرگوار هم نشانه‌ها و آثار برکات الهی را – که منشأ اصلی‌اش همان نقطه‌ی اوج است یعنی بعثت – انسان مشاهده میکند. آثار توحید را و نشانه‌های عملی توحید را انسان در روز ولادت هم میبیند. از داخل کعبه شما بگیرید که بتها در آنجا سرنگون میشوند، تا برخورد با بتهای طاغوتی، طاغوتهای بزرگ بشری آن روز ؛ [یا اینکه] فلان دریاچه‌ی مقدّس خشک میشود، فلان آتشکده‌ی به اصطلاح مقدّس خاموش میشود، طاق کسری شکست میخورد، کنگره‌های طاق کسری فرو میریزد ؛ این حوادث [رخ میدهد]. لذا روز ولادت یک روز معمولی نیست ؛ روز بسیار مهمّی است، روز بسیار بزرگی است. ما این روز را عید میگیریم به این مناسبت.

نکته‌ی اساسی این است که عید گرفتن فقط جشن و ماندگاری و یادبود و مانند این چیزها نیست ؛ عید گرفتن برای درس گرفتن است، برای الگو قرار دادن پیغمبر اکرم است. ما به این احتیاج داریم ؛ امروز بشر به این احتیاج دارد، امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد ؛ باید درس بگیریم. پس زنده نگه داشتن یاد مولود مبارک رسول اعظم ( صلی الله علیه و آله و سلّم ) برای این است که ما به مضمون این آیه‌ی شریفه که فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» ( ۲ ) عمل کنیم. پیغمبر اکرم اسوه‌ی حسنه است ؛ این را قرآن بصراحت دارد میگوید. اسوه است یعنی چه؟ یعنی یک الگویی است که ما باید از این الگو تبعیت کنیم ؛ در قله‌ای قرار گرفته، ما باید از این حضيض به سمت آن قله پیش برویم، حرکت کنیم. بشر تا آنجایی که میتواند باید حرکت کند به سمت آن قله ؛ اسوه یعنی این.

خب، حالا وقتی بخواهیم به آن الگو و به آن اسوه اقتدا بکنیم، درسهایی که وجود دارد، یکی دو تا نیست، صدها درس وجود دارد ؛ در زندگی شخصی پیغمبر، در زندگی خانوادگی پیغمبر، در حکومت پیغمبر، در شخصیت اجتماعی



پیغمبر با دوستانش، با دشمنانش، با مؤمنین، با کفار صدها درس اساسی و مهم وجود دارد. یکی از این درسها را من امروز می‌خواهم مطرح کنم و آن، مضمون این آیه‌ی شریفه است که فرمود: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ [۳] من روی این مسئله‌ی «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» می‌خواهم تکیه بکنم. [می‌فرماید:] برای او رنجهای شما دردآور است، سخت است؛ شما که رنج میکشید، پیغمبر از رنج شما رنج میبرد. بلاشک این مخصوص به مسلمان معاصر پیغمبر نیست، خطاب به عموم مؤمنین در طول تاریخ است؛ یعنی امروز اگر شما در فلسطین رنج میکشید، در میانمار، در نقاط گوناگون دیگر مسلمانها رنج میکشند، بدانند این رنج، روح مطهر پیغمبر را به رنج و زحمت درمی‌آورد؛ این خیلی مهم است. پیغمبر ما این جوری است. این حالت پیغمبر اکرم که در این آیه‌ی شریفه بیان شده، نقطه‌ی مقابل وضع دشمنان است که آن هم در این آیه‌ی شریفه است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ. [۴] اینجا [برای] پیغمبر اکرم «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»، اینجا [برای دشمنان] «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»؛ رنج شما آنها را خوشحال میکند. ما الان این جوری هستیم؛ توجه کنید که موقعیت خودمان را در دنیای کنونی بشناسید.

یک طرف آن وجود مقدسی است که «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»، یک طرف هم جبهه‌ای است که «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»؛ از رنج شما خوشحال میشوند، خرسند میشوند؛ از بدبختی شما، آنها احساس خوشبختی میکنند. طبعاً وقتی آن جبهه یک چنین حالتی دارد، سعی میکند شما را به سمت سختی، به سمت بدبختی سوق بدهد و پیش ببرد. این موقعیت را باید بفهمیم، بدانیم، توجه کنیم.

خب حالا این رنجهای امت اسلامی در زمان کنونی ناشی از چیست؟ چرا ملت‌های مسلمان این قدر از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فشارهای سیاسی، از لحاظ ایجاد جنگ و جنگ‌های داخلی و تسلط و تصرف و استعمار و استعمار نو و امثال اینها دچار رنجند؟ علت این رنج کشیدن و در موضع رنج کشیدن قرار داشتن مسلمانها چیست؟ علل فراوانی دارد، علت‌های متعددی دارد. عقب‌ماندگی علمی یکی از علل آن است؛ تن دادن به تسلط استعمارگران یکی از علل آن است. علل متعددی دارد که حالا در این زمینه افرادی که اهل سیاستند، اهل تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی و مانند اینها هستند در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، هزاران مقاله نوشته شده، لکن یکی از عوامل که شاید مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین عوامل باشد، تفرق مسلمین است. ما قدر خودمان را نمیدانیم، قدر یکدیگر را نمیدانیم؛ اشکال بزرگ کار ما این است؛ از هم جدایییم، متفرقیم.

وقتی که متفرق هستیم، وقتی خیرخواه هم نیستیم، وقتی گاهی حتی بدخواه همدیگر هستیم، خب نتیجه همین است. اینجا هم باز قرآن، صریح است. واقعاً در این مسائل زندگی بشر ما هیچ نقطه‌ای مهم نداریم که قرآن در آن بصراحت ناطق نباشد؛ اینجا هم قرآن می‌فرماید که «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ»؛ (۵) وقتی تنازع کردید، فشل به وجود می‌آید؛ فشل یعنی سستی. «وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ» یعنی تذهبِ عِزِّکم؛ یعنی عزتتان از بین میرود. اختلاف که پیدا کردید، قهراً خاک‌نشین میشوید، قهراً ذلیل میشوید، قهراً وسیله‌ی تسلط دیگران بر خودتان را فراهم میکنید. [نتیجه‌ی] تفرق این است.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه‌ی قاصعه که یکی از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه است روی این مسئله تکیه کرده. امیرالمؤمنین مستمعین خود را به تاریخ ارجاع میدهد؛ میگوید ببینید گذشتگان، آن وقتی که با هم بودند، متفق بودند، چه عزتی پیدا کردند، چه حالتی پیدا کردند، اما وقتی که از آن حالت یکپارچگی خارج شدند، فَاَنْظَرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِی آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الرِّقَّةُ وَ تَشَتَّتَتِ الْاَلْفَةُ. بعد یک چند جمله بعد از این به همین مضامین هست، بعد می‌فرماید وقتی این جوری شد، وقتی قُرقت و جدایی و دشمنی حاکم شد، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كَرَامَتِهِ وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ؛ (۶) خدای متعال لباس کرامت را از تن اینها خارج کرد؛ آن شرفی که



داشتند، آن عزتی که داشتند، آن نعمتی که خدا به آنها داده بود، بر اثر اختلاف و تفرقه از آنها سلب شد، از آنها گرفته شد.

www.leader.ir

خب، ما باید واقعاً به این فکر کنیم؛ به این مسئله‌ی «اتحاد بین مسلمین» فکر کنیم؛ امروز دشمن درست نقطه‌ی مقابل این را میخواهد. یک بذر فاسد سلول سرطانی‌ای را در این منطقه به وجود آوردند به نام رژیم صهیونیستی که اینجا پایگاه غرب دشمن اسلام باشد؛ چون آن روز دولت وسیع عثمانی را را متفرق کردند، نابود کردند، به چندین کشور تقسیم کردند، یک پایگاهی هم باید اینجا میداشتند که بتوانند دائماً تصرف کنند، نگذارند در این منطقه مقاصد عالی حاصل بشود؛ این پایگاه همین فلسطین مظلوم بود که آوردند این صهیونیست‌های خبیث و فاسد و قاتل و بی‌رحم را اینجا مستقر کردند، یک حکومت جعلی تشکیل دادند، یک ملت جعلی درست کردند برای این کار. خب، مسلمانها هم متوجه بودند؛ حالا [دشمنها] دارند کاری میکنند که این وجود مضر، این سلول سرطانی رشد یافته، از عنوان «دشمنی» خارج بشود و بیشتر بین کشورهای منطقه را اختلاف بیندازد. همه جا دارند تصرف میکنند؛ این عادی‌سازی‌ها یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌هایی است که به اسلام و مسلمین دارد میشود؛ ایجاد افتراق، ایجاد اختلاف. دشمن این جور است دیگر؛ دشمن دائم مشغول است.

ما باید از روز ولادت، این جور استفاده‌ای بکنیم: لقد کان لکم فی رسول اللہ اُسوةٌ حَسَنَةٌ؛ و رسول الله را هم که عرض کردیم وضعیت این جوری است. و لذاست که ما در جمهوری اسلامی این روز را روز عید قرار دادیم، روز وحدت قرار دادیم؛ یعنی از دوازدهم ربیع‌الاول که روایت اهل سنت برای ولادت پیغمبر است تا هفدهم ربیع‌الاول که روایت شیعه است، بین این دو را ما یک هفته‌ی جشنی قرار دادیم، و اسمش را هم گذاشتیم «هفته‌ی وحدت». خب کار خوبی بود، اما بایستی [این شعار] تحقق پیدا کند، باید برویم به سمت عملی شدن این.

خب شما ممکن است بگویید «ما که رؤسای این کشورها نیستیم»؛ بله، رؤسا انگیزه‌های دیگری دارند، انگیزه‌های سیاسی دارند، مقاصد دیگری دارند، لکن روشنفکران، علما، نویسندگان، شعرا، فرزنانگان یک کشور، نخبگان یک کشور و خواص میتوانند فضا را متفاوت کنند با آنچه دشمن میخواهد؛ فضا که متفاوت شد، رسیدن به این نتیجه سهل‌تر خواهد شد.

حالا وحدت یعنی چه؟ مراد از وحدت قطعاً وحدت مذهبی نیست؛ یعنی اینکه این به مذهب آن دربیاید، آن به مذهب این دربیاید، یک مذهب [باشد]؛ نه، این قطعاً مراد نیست. وحدت جغرافیایی هم نیست؛ مثل آن چیزی که در دهه‌های شصت میلادی و هفتاد میلادی، بعضی از کشورهای عربی با هم اتحاد پیدا کردند و اعلام کردند یکی هستند، که نشد و نمیشود و امکان ندارد؛ مراد این هم نیست. مراد از وحدت، وحدت در حفظ منافع امت اسلامی است. اول تشخیص بدهیم منافع امت اسلامی کجا است، در چیست، بعد در این زمینه ملت‌ها با هم توافق کنند. دولت‌ها هم اگر چنانچه ان شاء الله به این راه هدایت بشوند، خدا دل‌هایشان را به این سمت بکشانند، در جهت منافع امت اسلامی توافق کنند؛ ببینند امت اسلامی امروز به چه احتیاج دارد، با چه کسی باید دشمنی کرد، با چه کسی بایستی چه جوری دشمنی کرد، با چه کسی باید دوستی کرد و چه جوری دوستی کرد؛ این جهت‌گیری‌ها را در ضمن گفتگوها و مذاکرات، به توافق برسند و در این جهت حرکت کنند. مراد این است: اشتراک عمل در برابر نقشه‌های استکبار.

بلاشک دنیای استکبار درباره‌ی این منطقه‌ی ما و کشورهای ما نقشه‌های واضحی دارد. این منطقه‌ی اسلامی، فرصت عظیمی است؛ منطقه‌ی ما اگر نگوییم حساس‌ترین، یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا است؛ اگر نگوییم غنی‌ترین، یکی از غنی‌ترین مناطق دنیا این منطقه‌ی ما است؛ منطقه‌ی میانه‌ی آسیا و غرب آسیا و شمال آفریقا



که منطقه‌ی اسلامی است؛ منطقه‌ی بسیار مهمی است. استکبار و قدرتهای پشت پرده‌ی سیاستهای استکباری یعنی کمپانی‌ها و کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی، برای این منطقه نقشه دارند. اشتراک عمل داشته باشیم در مقابله‌ی با نقشه‌های آنها؛ این معنای وحدت است. ما این را پیشنهاد کردیم به دنیای اسلام، و این را از دنیای اسلام خواستیم.

یک نقطه‌ی اساسی اینجا وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد و آن، این است که امروز، هر روز بیشتر روشن میشود که هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است؛ امروز روزه‌روز بیشتر واضح میشود که نقشه‌ی سیاسی دنیا در حال تغییر است. آن مسئله‌ی یک‌قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت – یا دو قدرت؛ فرق نمیکند – بر کشورها و بر ملت‌ها و مانند اینها، مشروعیت خودش را از دست داده؛ یعنی ملت‌ها بیدار شده‌اند. نظام تک‌قطبی مطرود شده است و بتدریج دارد مطرودتر میشود. شما امروز در دنیا زیاد می‌شنوید این حرف را از زبان سیاستمدارهای درجه‌ی یک دنیا که نظام تک‌قطبی را قبول نداریم. نظام تک‌قطبی یعنی چه؟ یعنی اینکه مثلاً فرض کنید آمریکا بنشیند برای عراق یا برای سوریه یا برای ایران یا برای لبنان یا برای فلان [کشور] طراح‌ی کند که «باید این کار را بکنید، باید این بشود، باید این نشود»؛ گاهی بگوید، گاهی هم نگوید، اما عمل کند. امروز این جوری است؛ طراح‌ی میکنند برای کشورها و بسیج میکنند نیروهایشان را.

خب نقشه دارند؛ استکبار نقشه دارد. [اما] این دارد تغییر میکند؛ تدریجاً این حالت تسلطی که استکبار جهانی بر کشورها و بر ملت‌ها و بر مناطق گوناگون داشته، دارد تغییر میکند؛ درست مثل تغییری که در دوران نهضت‌های ضد استعماری در میانه‌ی قرن ۲۰ اتفاق افتاد که مکرراً پشت سر هم کشورها قیام کردند علیه استعمار مستقیم – در آسیا یک جور، در آفریقا یک جور، در آمریکای لاتین یک جور – که نقشه‌ی سیاسی دنیا یک تغییر عمده‌ای در آن روز کرد، امروز هم یک تغییر عمده‌ای دارد میکند. این حرکت زیرپوستی و آرام سلطه‌گرانه‌ی استکبار جهانی علیه ملت‌ها، دارد بتدریج مشروعیت خودش را به طور واضح از دست میدهد از نظر ملت‌ها؛ از اول که مشروع نبوده، لکن ملت‌ها نظرشان دارد نسبت به این روشن میشود. خب وضع جدیدی پیش خواهد آمد، دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد. ممکن است ما نتوانیم دقیقاً حدس بزنیم که این دنیای جدید چه شکلی است، لکن مطمئناً که بتدریج در طول سال‌ها دنیای جدیدی دارد تشکیل میشود. خب جایگاه امت اسلامی در این دنیای جدید کجا است؟ این سؤال مهمی است.

امت اسلامی [یعنی] بیش از یک و نیم میلیارد نفوس انسانی با این تاریخ عظیم و مشعشع علمی ما – خب بله، ما چند قرن اخیر از لحاظ علمی سقوط کردیم، اما قبل از آن، اوج قله‌ی علم متعلق به ما مسلمان‌ها بوده دیگر؛ این میراث ما است؛ این در اختیار ما است – با داشتن ثروتهای طبیعی، با داشتن ثروتهای انسانی، با داشتن انگیزه‌های نو برای تجدد؛ جایگاه این دنیای اسلام و امت اسلامی با این خصوصیات کجا است؟ در این دنیای جدیدی که دارد به وجود می‌آید، ما کجا قرار خواهیم گرفت؟ نقطه‌ی توقف ما و نقطه‌ی حضور ما کجا است؟ این خیلی مهم است؛ این مسئله‌ای است که باید امت اسلامی برایش فکر کند. این حوادثی که در دنیای غرب، در اروپا دارد پیش می‌آید، این حوادث عادی نیست؛ اینها نشان‌دهنده‌ی یک تغییرات عمده است.

خب ما میتوانیم نقش مهمی داشته باشیم. ما امت اسلامی، ما کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی در دنیای جدیدی که دارد بتدریج شکل می‌گیرد، میتوانیم جایگاه رفیعی داشته باشیم، میتوانیم به عنوان یک الگو مطرح بشویم، میتوانیم به عنوان پیشرو مطرح بشویم، اما به یک شرط؛ شرطش چیست؟ اتحاد، نداشتن تفرقه، خلاص شدن از شرّ وسوسه‌های دشمن، وسوسه‌های آمریکا، وسوسه‌های صهیونیست‌ها، وسوسه‌های کمپانی‌ها؛ [خلاص شدن] از شرّ وسوسه‌های اینها که گاهی این وسوسه‌ها از زبان خودی‌ها شنیده میشود. می‌بینیم در دنیای اسلام،



کسانی از داخل دنیای اسلام همان حرف آنها را تکرار میکنند، همانها را میگویند؛ از شرّ اینها خلاص بشویم با اتحاد، با نفی تفرقه، با انسجام داخلی؛ این شرطش است. اگر این شرط را بتوانیم عملی بکنیم، بلاشک خواهیم توانست امت اسلامی را در جایگاه رفیعی در دنیای آینده و شکل آینده‌ی جغرافیای سیاسی جهان قرار بدهیم.

آیا این ممکن است؟ بعضی هستند که در همه‌ی مسائل مهم، مبادره‌ی (۷) آنها و واکنش اولی آنها نفی و انکار و ناامیدی است: «ای آقا! نمیشود، فایده ندارد». ما قبول نداریم این را؛ ما میگوییم این ممکن است؛ اتفاق و اتحاد بین ملت‌های اسلامی ممکن است، منتها کار لازم دارد، عمل لازم دارد. عرض کردم، ما حالا از سیاستمداران و زمامداران و حکمرانان کشورهای اسلامی هم ناامید نیستیم، اما بیشترین امیدمان به خواصّ دنیای اسلام است؛ یعنی همین طوری که گفتیم، به علمای دین، به روشنفکران، به اساتید دانشگاه، به جوانان روشن‌بین، به فرزندان، به ادبا، به شعرا، به نویسندگان، به گردانندگان مطبوعات؛ امید ما به اینها است؛ اینها [باید] احساس استقلال بکنند، احساس مسئولیت بکنند، احساس وظیفه کنند. وقتی خواص در یک راهی وارد شدند، افکار عمومی را به آن سمت حرکت میدهند؛ وقتی افکار عمومی در یک کشوری شکل گرفت، سیاست‌های اداره‌ی کشور هم به طور قهری به آن سمت حرکت میکند، ناچارند، ناگزیرند. بنابراین، این کاری است ممکن؛ این ممکن است، منتها بدون عمل نمیشود. بدون عمل، هیچ چیزی در دنیا، نه دستاوردهای دنیایی، نه دستاوردهای اخروی و الهی امکان ندارد: لیسّ لِلانسان إِلَّا ما سَعَى؛ (۸) باید سعی کرد، باید عمل کرد؛ [اگر] عمل بکنیم، ممکن است.

حالا یک نمونه‌ی کوچکش را عرض میکنم. نمونه‌ی کوچکش ما هستیم؛ جمهوری اسلامی. ما در مقابل قدرتهای بزرگ ایستادیم. یک روزی این دنیا دست دو قدرت بزرگ بود: قدرت آمریکا و قدرت شوروی سابق. هر دو قدرت که در ده‌ها مسئله با هم اختلاف داشتند، در یک مسئله متفق بودند و آن، ضدّیت با جمهوری اسلامی بود. آمریکا و شوروی سابق، با آن همه اختلافاتی که با هم داشتند، در ضدّیت با جمهوری اسلامی با هم متفق بودند، هم‌رأی بودند. امام (رضوان الله تعالی علیه) در مقابل اینها ایستاد، تسلیم نشد، صریح گفت «نه شرقی، نه غربی»؛ نه این، نه آن. شد. خیال میکردند نمیشود، خیال میکردند این نهال را میتوانند از ریشه بکنند، این نهال امروز تبدیل شده به یک درخت تناور؛ غلط میکند فکر کردن آن را هم کسی بکند! ایستادیم و پیش رفتیم. البته سختی دارد؛ همه‌ی چیزها سختی دارد؛ بدون سختی که نمیشود. آن کسانی هم که تسلیم میشوند، آنها هم سختی دارند. سختی فقط در ایستادگی نیست؛ تسلیم شدن هم سختی دارد، با این تفاوت که وقتی انسان ایستادگی میکند، سختی او، او را به پیش میبرد – ما سختی میکشیم، اما پیش میرویم – آن که تسلیم میشود، سختی میکشد، عقب‌رفت دارد، پیشرفت هم نمیکند. بنابراین، به نظر ما میشود؛ میشود کار کرد، میشود تلاش کرد، میشود به سمت وحدت مورد نظر اسلام و قرآن پیش رفت در امت اسلامی، با وجود همه‌ی اختلافاتی که وجود دارد.

خب، فاصله‌ها بعضی قومی است، بعضی نژادی است، بعضی زبانی است، اینها مهم نیست؛ به نظر من آنچه امروز بیش از همه باید روی آن تکیه کنیم، مسئله‌ی مذهبی است؛ بحث شیعه و سنی. نباید بگذاریم اختلاف عقیده و اختلاف مذهبی به تنازع کشیده بشود؛ نباید بگذاریم. یک چیزهایی است که تنازع ایجاد میکند، باید مانع بشویم، باید به طور جد مانع بشویم. شما ملاحظه کنید، حالا سیاستمداران آمریکایی و انگلیسی هم در محافل خودشان وارد بحث شیعه و سنی شده‌اند؛ این خیلی چیز خطرناکی است، خیلی خطرناک است. اینهایی که ضدّ اسلامند، نه با شیعه خوبند نه با سنی، وارد بحث [شیعه و سنی شده‌اند].

بنده یک وقت گفتم «شیعه‌ی انگلیسی» و «سنی آمریکایی»؛ (۹) بعضی خیال کردند یعنی این جور بدروغ تبلیغ کردند که ما که میگوییم شیعه‌ی انگلیسی، یعنی شیعه‌ای که ساکن انگلیس است؛ نه، شیعه‌ی انگلیسی ممکن است در خود کشور اسلامی باشد؛ الهام‌گیری از انگلیس است؛ یعنی شیعه‌ی دعوادرست‌کن، سنی دعوادرست‌کن؛





مثل داعش و مثل وهابی‌ها و امثال اینها که دعوا درست میکنند ؛ یا تکفیری‌ها که [میگویند] این کافر است، آن کافر است. اینها اسمشان مسلمان است، ممکن است به احکام فردی اسلامی متعبد هم باشند اما در خدمت دشمن حرکت میکنند.

آن که اختلاف ایجاد میکند در خدمت دشمن است ؛ فرقی [هم] نمیکند ؛ در هر جایگاهی باشد، در هر مقامی باشد، در هر کشوری باشد. ما به این معتقدیم، ما به این عمیقاً اعتقاد داریم. ما با کسانی که به عنوان طرف‌داری از تشیع، احساسات برادران اهل تسنن را برانگیخته میکردند برخورد کردیم، برخورد جدی کردیم ؛ این باید همه‌گیر بشود ؛ باید اتفاق نظر به وجود بیاید. البته در هر دو طرف تندروانی وجود دارند ؛ هم در شیعه افرادی هستند که حالا یا بر اثر اعتقاداتشان یا هر چه، تندروی میکنند، هم در سنی‌ها کسانی هستند که تندروی میکنند ؛ تندروی وجود دارد. ما این تندروی تندروان را موجب این ندانیم که اصل اهل مذهب را متهم کنیم ؛ عمل خود ما این جوری بوده.

ما دیدیم وهابی‌ها، از دویست سال قبل قبور ائمه را ویران کردند ؛ رفتند کربلا قبر مطهر سیدالشهدا ( علیه السلام ) را ویران کردند، ضریح چوبی بود، آن را سوزاندند، داخل حرم آتش درست کردند، قهوه درست کردند، قهوه خوردند ؛ این اتفاق افتاد. رفتند نجف، نتوانستند بیایند [داخل] به خاطر مرحوم شیخ جعفر کاشف‌الغطاء که نیرو داشت و طلبه‌ها و دیگران را بسیج کرد و نجف سور ( ۱۰ ) داشت، حصار داشت ؛ نتوانستند بروند نجف، رفتند کوفه و در مسجد کوفه، افراد زیادی را که شیعه بودند، قتل عام کردند و کشتند. این موجب نشد که علمای شیعه، بزرگان شیعه، مراجع شیعه اهل سنت را متهم کنند ؛ نه، اینها تندروانی بودند که آن کار را کردند. در زمان خود ما داعش در عراق یک جور، در سوریه یک جور، اخیراً در افغانستان یک جور که به مدرسه‌ی بچه‌ها هم رحم نمیکند ؛ مدرسه‌ی دخترانه، مدرسه‌ی پسرانه را منفجر میکنند، خانواده‌ها را داغدار فرزندانشان میکنند ؛ این کارها را میکنند، اما ما به هیچ وجه اهل سنت را متهم نمیکنیم ؛ اینها یک تندروانی هستند. این طرف هم باید همین جور باشد ؛ کسانی ممکن است تندروی کنند، اما نبایستی جامعه‌ی تشیع را متهم کرد به خاطر تندروی. باید در این زمینه کار کرد ؛ علمای اسلام بایستی کار کنند.

ما به خاطر این تشنّت داریم کتک میخوریم ؛ در فلسطین کتک میخوریم، در کشورهای گوناگون کتک میخوریم. در فلسطین روزانه دارند آدم میکشند ؛ بچه‌ی کوچک را میکشند، جوان را میکشند، نوجوان را میکشند، افراد بزرگسال را میکشند، زندان میبرند، هزاران نفر را در زندان زیر شکنجه قرار میدهند ؛ این دارد اتفاق می‌افتد، و جلوی چشم ما است. در میانمار آن جور، در جاهای دیگر آن جور. خب اینها سخت است، اینها برای امت اسلامی [سخت است] ؛ عزیزّ علیّه ما عَنَتُمْ ؛ اینها رنج میدهد پیغمبر را ؛ باید برای اینها فکر کرد، تلاش کرد. قرآن به پیغمبر میگوید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ؛ اهل کتاب مسلمان هم نیستند، اما یک وجه مشترکی با هم داریم و آن توحید است ؛ چون توحید در همه‌ی ادیان وجود دارد دیگر ؛ توحید پایه‌ی همه‌ی ادیان است: *إِلَّا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ*. پیغمبر از همین وجه مشترک بین اسلام و ادیان دیگر استفاده میکند، یعنی قرآن دستور میدهد که بگو: *تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِلَّا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ* ؛ ( ۱۱ ) با غیر مسلمانها [این جور میگوید]! خب ما مسلمانها این همه با هم وجه مشترک داریم: کعبه‌ی واحد، قبله‌ی واحد، نماز واحد، حجّ واحد، عبادات واحد، پیغمبر واحد، محبّت اهل بیت در همه‌ی دنیای اسلام ؛ اینها وجوه مشترک ما است ؛ از این وجوه مشترک بایستی عبور نکنیم.

خب ما تا حالا تلاش کرده‌ایم ؛ ما همه‌ی آنچه در توان داشتیم، تا الان در همین زمینه به کار برده‌ایم، بعد از این هم به کار خواهیم برد. ما از برادران فلسطینی که همه اهل سنتند، از همه جهت حمایت کرده‌ایم ؛ از لحاظ سیاسی و از جهات عملی حمایت کرده‌ایم، بعد از این هم حمایت خواهیم کرد. برای ما فرق نمیکند ؛ اینجا آنچه برای ما مهم



است، حرکت اسلامی و نظام [اسلامی] است. این جبهه‌ی مقاومتی که امروز بحمدالله در دنیای اسلام تشکیل شده، مورد حمایت ما است، از آن حمایت میکنیم، تا آن مقداری که میتوانیم؛ هر چه قدرت داریم، از اینها حمایت خواهیم کرد، باز هم میکنیم، قبل از این هم کرده‌ایم.

امیدواریم ان شاءالله خدای متعال همه‌ی ما را هدایت کند، بتوانیم ان شاءالله در این راه پیش برویم و بتوانیم این آرزوی بزرگ را که آرزوی بزرگ زیدگان دنیای اسلام بوده و قطعاً آرزوی روح مطهر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ان شاءالله تحقق ببخشیم؛ یعنی وحدت اسلامی.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد. سی‌وششمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی از بیستم مهرماه در تهران گشایش یافت.

(۲) سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد میکند.»

(۳) سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۲۸: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.»

(۴) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراهز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید ...»

(۵) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۴۶: «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود ...»

(۶) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲

(۷) اقدام

(۸) سوره‌ی نجم، بخشی از آیه‌ی ۳۹: «... برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.»

(۹) بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد پیامبر اکرم و حضرت امام جعفر صادق (صلوات الله علیهما) (۱۳۹۵/۹/۲۷)

(۱۰) حصار

(۱۱) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۶۴: «بگو ای اهل کتاب! بیاوید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. ...»